«حسن رنجبر»، تحلیلگر مسائل ژئوپلیتیک، در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»:

پذیرش نقش دوگانه ایران و آمریکا در هرمز، راه برون‌رفت از جنگ است

حمیدرضا مهدیزاده

جنگ ایران و آمریکا در حالی وارد مرحله‌ای حساس و پرمخاطره شده که دامنه حملات و پیامدهای آن بیش از گذشته به زندگی غیرنظامیان گره خورده است. حمله موشکی اخیر آمریکا به محل برگزاری یک مراسم عروسی در سیریک و کشته و زخمی شدن شماری از غیرنظامیان، از جمله کودکان، بار دیگر ابعاد انسانی و خطرناک این درگیری را به نمایش گذاشت؛ حمله‌ای که فارغ از ادعاهای مطرح‌شده درباره اهداف نظامی، پرسش‌های جدی درباره روند جنگ و چشم‌انداز پایان آن ایجاد کرده است.

هم‌زمان، تنگه هرمز بار دیگر به یکی از اصلی‌ترین کانون‌های رویارویی تهران و واشنگتن تبدیل شده است؛ گذرگاهی که اهمیت آن تنها به ابعاد نظامی محدود نمی‌شود و با تشدید فشارهای اقتصادی، محدود شدن صادرات نفت ایران و افزایش نگرانی‌ها درباره امنیت انرژی، اکنون به یکی از مهم‌ترین اهرم‌های تعیین‌کننده سرنوشت جنگ تبدیل شده است. در این شرایط، آمریکا تلاش می‌کند با فشار اقتصادی، محاصره دریایی و ایجاد مسیرهای جایگزین، بخشی از اثرگذاری ایران بر هرمز را کاهش دهد؛ این تحلیل در حالی مطرح می‌شود که تردیدهای جدی درباره نقش حمایتی چین و روسیه از ایران در آینده جنگ با آمریکا مطرح شده است.

برای بررسی این تحولات، گفت‌وگویی داشته‌ایم با «دکتر حسن رنجبر»، مدرس پیشین دانشگاه و تحلیلگر مسائل ژئوپلیتیک در خاورمیانه.

خانم‌ها و آقایان، به «میز سیاست خارجی توسعه ایرانی» خوش آمدید.

در ابتدا مایلم مراتب تاسف خودم، بابت تراژدی حمله موشکی اخیر آمریکا به محل برگزاری یک مراسم عروسی در سیریک و کشته و زخمی شدن شماری از غیرنظامیان، از جمله کودکان را ابراز کنم. با توجه به این که سخنگوی پنتاگون ادعا کرد هدف ارتش آمریکا تأسیسات نظامی و مقابله با تهدیدات مرتبط با تنگه هرمز بوده - اما این حمله به یک تراژدی غیرنظامی انجامیده است - آیا تداوم این سطح از عملیات نظامی نشان‌دهنده ورود جنگ به مرحله‌ای خطرناک‌تر است؟ و اساساً آیا می‌توان هم‌زمان با چنین حوادثی از امکان بازگشت تهران و واشنگتن به مسیر دیپلماسی سخن گفت؟

آقای مهدیزاده! از بابت دعوت به گفت‌وگو سپاسگزارم. برای پاسخ به این پرسش می‌بایست دو رویکرد حقوقی و سیاسی را از یک دیگر تفکیک کرد. از منظر حقوق بین‌الملل به ویژه حقوق بین‌الملل بشردوستانه جنایت‌های جنگی بسیاری توسط آمریکا و اسرائیل رخ داده و هر روز هم تکرار می‌شود از حمله به مدرسه میناب و شهادت ۱۶۸ طفل و کادر آموزشی تا آخرین آن حمله به یک مراسم عروسی، پس اتفاق جدیدی نیست.

تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران با جنایت جنگی و ترور شروع شد و همچنان ادامه دارد. جامعه جهانی و سازمان‌های بین‌المللی با بی‌عملی بسیار معناداری، صرفا نظاره‌گر هستند.

از یاد نبریم که آغازکننده جنگ، کشوری دارای حق وتو، قدرت اول جهان و بزرگترین تامین‌کننده مالی سازمان ملل است! همین امر سبب غلبه گفتمان قدرت بر گفتمان حقوقی شده است.

اما از منظر سیاست قدرت به نظر می‌رسد در دکترین جنگی آمریکا حمله به غیرنظامیان، حمله به مراکز مسکونی و غیرنظامی جایگاه ویژه‌ای با هدف ایجاد ترس، وحشت و تحت‌فشار گذاشتن مردم، حاکمیت و نهایتا تسلیم ایران، دارد. این استراتژی در عراق، افغانستان، ویتنام و دیگر جنگ‌های آمریکا کاربرد داشته و همچنان هم به آن عمل می‌شود. با کمال تعجب و تاسف همه این جنایات بی‌کیفر مانده است. مگر بدون حمایت آمریکا، اسرائیل قادر بوده و هست آن همه جنایت جنگی و نسل‌کشی در غزه به راه بیندازد!؟ به نظر می‌رسد از نگاه آمریکا هر ابزاری برای پیروزی در جنگ مشروع است. آمریکا با همین استدلال ژاپن را بمباران اتمی کرد. در حال حاضر مهمترین هدف این استراتژی کشاندن ایران پای میز مذاکره و تحمیل خواسته‌های خود است.

این جنایات را نباید، بدون ارتباط با یکدیگر، کور و اشتباه نظامی تحلیل کرد بلکه کاملا هدفمند است. زمانی که برای زدن یک هدف نظامی که با یک موشک یا بمب سبک تخریب و کاملا نابود می‌شود انبوهی از موشک‌ها و بمب‌های سنگین استفاده می‌شود و به شعاع یک کیلومتر مناطق مسکونی را تخریب می‌کند چه معنایی جز هدفمند بودن تخریب و کشتن غیرنظامیان دارد؟

بی‌شک کشتار گسترده غیرنظامیان تاثیر بسیاری بر سیاستمداران دارد. به علت دوری از جبهه جنگ و مصون بودن غیرنظامیان، آمریکا این نگرانی را ندارد اما از آن برای فشار و درنهایت تسلیم ایران و امتیازگیری بیشتر در مذاکرات بهره می‌برد.

ایران باید سرنوشت جنگ را در هرمز رقم بزند. در خصوص موضوع هسته‌ای توجیه سیاسی و حقوقی برای هر دو طرف وجود دارد که خود را بازنده ندانند. بدین گونه که مذاکرات هسته‌ای سخت، پیچیده، زمان‌بر و بسیار فنی است. اما خاتمه جنگ می‌تواند همراه با توافقی برای شروع مذاکرات هسته‌ای باشد

هم‌زمان با تشدید درگیری‌ها، شاهد بازگشت جدی مسئله تنگه هرمز به مرکز بحران هستیم؛ از تهدید مین‌های دریایی و دشوار شدن عبور کشتی‌ها گرفته تا تلاش آمریکا برای تأمین امنیت این مسیر حیاتی. از سوی دیگر، بنا به گفته «مارکو روبیو» یادداشت تفاهم ۱۷ ژوئن میان ایران و آمریکا منقضی شده و هنوز توافق نهایی میان طرفین شکل نگرفته است. آیا هرمز اکنون مهم‌ترین اهرم چانه‌زنی ایران در برابر واشنگتن محسوب می‌شود؟ و آیا ممکن است بازگشایی کامل و تضمین امنیت هرمز، مقدمه یک توافق سیاسی جدید میان دو طرف شود؟

با توجه به اتفاقات جنگ ۴۰ روزه و هرمز، آسیب جدی به پایگاه‌های آمریکا در منطقه و در مواردی تخلیه آنها و بسیاری ملاحظات سیاسی

آمریکا تمام تلاش خود را برای ایجاد یک ائتلاف اقتصادی جهانی و فشار نظامی، و حتی محاصره کامل اقتصادی با هدف قطع درآمدهای نفتی ایران... به کار گرفته و تا حدی توانسته روزانه سه تا چهار میلیون بشکه نفت را به روش‌های مختلف عبور دهد. همین امر باعث شده که واشنگتن بتواند تا حدی یک مسیر دریایی خارج از آب‌های سرزمینی ایران را معرفی کند که ادامه این روند به هیچ‌وجه به نفع ایران نیست

با کشورهای میزبان پایگاه‌های آمریکا در منطقه، بانک اهداف ایران تا حدی کاهش یافته و یا از تاثیرگذاری زیر ضرب بردن آنها نسبت به جنگ رمضان کاسته شده است.

اما همراهی برخی از این کشورها به ویژه امارات، بحرین و کویت با آمریکا کاهش نیافته، در نتیجه مهمترین عاملی که می‌تواند معادلات نظامی و به‌تبع آن نتیجه جنگ را تغییر دهد تنگه هرمز است. کنترل و تسلط بر آن تأثیرهای اقتصادی بسیاری برای جهان و کشورهای منطقه دارد.

بنابراین، آمریکا تمام تلاش خود را برای ایجاد یک ائتلاف اقتصادی جهانی و فشار نظامی، و حتی محاصره کامل اقتصادی با هدف قطع درآمدهای نفتی ایران... به کار گرفته و تا حدی توانسته روزانه سه تا چهار میلیون بشکه نفت را به روش‌های مختلف عبور دهد. همین امر باعث شده که واشنگتن بتواند تا حدی یک مسیر دریایی خارج از آب‌های سرزمینی ایران را معرفی کند. ادامه این روند به هیچ‌وجه به نفع ایران نیست.

از طرفی آمریکا به دلایل داخلی از جمله انتخابات کنگره در این مقطع، چندان به دنبال گسترش جنگ و ناامنی بیشتر در تنگه هرمز نیست و تمرکز خود را بر محاصره کامل دریایی ایران، تحریم‌های اقتصادی و پایین نگهداشتن قیمت انرژی و کنترل جنگ قرار داده است. از سوی دیگر خویشتنداری ایران در تشدید تنش و جنگ در هرمز سبب نشده که آمریکا حلقه محاصره دریایی ایران را بازتر کند و فرصتی برای گشایش‌های اقتصادی به ایران بدهد، برعکس آن را ناشی از ضعف تهران تلقی می‌کند.

دلایل بسیاری وجود دارد که تایید می‌کند: ترامپ پس از انتخابات کنگره حتی با فرض شکست در انتخابات جنگ را تشدید خواهد کرد. محاصره دریایی و تحریم‌های سنگین اقتصادی، مقدمه‌ای بر این استراتژی است، پس بسیار مهم است که ایران با علم به این موارد تعیین استراتژی کند.

همانطور که اشاره کردید ترامپ همچنان تأکید می‌کند که اجازه نخواهد داد ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند و می‌گوید انتخابات میان‌دوره‌ای بر تصمیمات او تأثیری ندارد؛ اما هم‌زمان گزارش‌هایی منتشر شده که نشان می‌دهد در کاخ سفید درباره پایان دادن رسمی به جنگ و یافتن راه خروج از این درگیری بحث‌هایی در جریان است. آیا این دو موضع در ظاهر متناقض، در واقع نشان‌دهنده تغییر راهبرد واشنگتن است؛ یعنی تفکیک «پایان جنگ» از «حل مسئله هسته‌ای؟» و آیا ترامپ ممکن است جنگ را بدون دستیابی به یک توافق هسته‌ای رسمی پایان دهد؟

هر قدر تنش در هرمز افزایش یابد و فشار بر اقتصاد جهانی بیشتر شود و کشورهای منطقه به‌علت بسته بودن کامل تنگه هرمز تحت فشار بیشتری قرار گیرند و به‌تبع آن بحران انرژی و مشتقات آن در جهان فراگیرتر شود به همان میزان از اهمیت توافق هسته‌ای با ایران کاسته می‌شود.

ایران باید سرنوشت جنگ را در هرمز رقم بزند. در خصوص موضوع هسته‌ای توجیه سیاسی و حقوقی برای هر دو طرف وجود دارد که خود را بازنده ندانند. بدین گونه که مذاکرات هسته‌ای سخت، پیچیده، زمان‌بر و بسیار فنی است. اما خاتمه جنگ می‌تواند همراه با توافقی برای شروع مذاکرات هسته‌ای باشد. تهران باید به واشنگتن بفهماند که ادامه جنگ و فشار شدید بر ایران می‌تواند سبب خروج از ان‌پی‌تی حتی با فرض پذیرش تمام ریسک‌های آن باشد و ایران را به مرحله غیرقابل بازگشت سوق دهد.

تجربه کنترل تنگه هرمز نشان می‌دهد که ایران فایده و ضرر خروج از ان‌پی‌تی را در صورت تشدید جنگ و فشارهای اقتصادی و بی‌عملی آژانس در عدم حمایت از مراکز علمی هسته‌ای مدنظر دارد.

با توجه به این که از یک سو شاهد شدیدترین دور جدید حملات، تهدید هرمز، افزایش فشار اقتصادی و تلفات غیرنظامی هستیم و از سوی دیگر ترامپ درباره پایان جنگ با مشاوران ارشد خود رایزنی می‌کند، ارزیابی شما از نقطه‌ای که اکنون در آن قرار داریم چیست؟ آیا تهران و واشنگتن عملاً وارد مرحله چانه‌زنی برای «پایان کنترل‌شده جنگ» شده‌اند، یا این تشدید نظامی مقدمه دور جدیدی از درگیری است؟ به‌عبارت دیگر، اگر قرار باشد این جنگ پایان یابد، مهم‌ترین معامله‌ای که می‌تواند تهران و واشنگتن را پای میز مذاکره برگرداند چیست؟

مهمترین عامل تنگه هرمز است و بحران انرژی در جهان. به نظر می‌رسد هر دو طرف جنگ به این نتیجه رسیده‌اند که مدیریت تنگه هرمز به‌تنهایی نه برای ایران ممکن است و نه آمریکا می‌تواند مدیریت هرمز را به قبل از جنگ برگرداند.

در نتیجه پذیرش نقش دوگانه ایران و آمریکا در تنگه هرمز می‌تواند راه برون‌رفت از این جنگ برای دو طرف باشد. مذاکرات ناموفق با عمان این را نشان داد که بدون موافقت آمریکا - مسقط قادر به توافق عملی در خصوص تنگه هرمز - نیست. بدون تردید نقش ایران در مدیریت هرمز با گذشته بسیار متفاوت است، افکار عمومی ایران هم تقریبا اجازه نخواهند داد که سیاستمداران از آن کوتاه بیایند، در نتیجه پذیرش این نقش دوگانه راه برون‌رفت از جنگ و بازی برد - برد برای طرفین و فرار ترامپ از بحران خودساخته در هرمز و پاسخ به افکار عمومی آمریکا است.

در کنار تحولات میدانی، نقش روسیه و چین در ادامه این بحران نیز بسیار مهم است. از یک‌سو، فایننشال تایمز گزارش داده که روسیه در قالب یک برنامه محرمانه، در توسعه فناوری موتورهای رم‌جت برای موشک‌های کروز مافوق‌صوت ایران، با قابلیت استفاده ضدکشتی، نقش داشته است؛ موضوعی که می‌تواند معادلات نظامی در خلیج فارس و تنگه هرمز را تغییر دهد. از سوی دیگر، چین در برابر کارزار «فشار اقتصادی» آمریکا علیه ایران مقاومت کرده، تحریم‌های آمریکا علیه شرکت‌ها و پالایشگاه‌های چینی مرتبط با نفت ایران را محکوم کرده و درباره تبعات تحریم‌های ثانویه هشدار داده است. با توجه به این تحولات، آیا می‌توان گفت جنگ ایران و آمریکا عملاً در حال تبدیل شدن به بخشی از رقابت بزرگ‌تر میان آمریکا، چین و روسیه است؟ و آیا حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی مسکو و پکن می‌تواند به تهران امکان ادامه مقاومت را بدهد، یا درنهایت همین قدرت‌ها نیز به این جمع‌بندی خواهند رسید که ادامه جنگ به زیان همه طرف‌هاست و باید از ظرفیت خود برای سوق دادن تهران و واشنگتن به سمت آتش‌بس، مذاکره و پایان جنگ استفاده کنند؟

تصمیمات کشورها در سیاست خارجی تابعی از منافع ملی آنان است. در موضوعات بین‌المللی گاهی منافع کشورها به یکدیگر گره می‌خورد و در برخی موارد هم سبب تقابل و واگرایی می‌شود. روابط کشورها را این‌گونه باید تحلیل کرد. باید دید چین و روسیه چگونه به جنگ آمریکا علیه ایران نگاه می‌کنند و در درجه اول منافع ملی این کشورها در این جنگ چیست؟

ما نباید انتظار غیرواقع‌گرایانه‌ای از کشوری مثل چین با دارا بودن اقتصاد جهانی و روابط پیچیده در سطح جهان، از جمله کشورهای عرب منطقه داشته باشیم. منافع و امنیت ملی چین مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکایی است.

پکن کاملا آگاه است که مهمترین رقیب و شاید دشمن آینده چین، آمریکا است. در آمریکا نیز بابت مهار چین اجماع دوحزبی وجود دارد. به‌همین سبب هرقدر آمریکا در سطح جهان بیشتر درگیر باشد به‌نفع چین است.

هرقدر درگیری آمریکا با چین به تاخیر بیافتد به‌نفع چین است و آن کشور فرصت بیشتری برای آماده شدن دارد. نگاهی عمیق به سیاست خارجی ترامپ در سطح جهان از کانادا تا گرینلند، ونزوئلا تا ایران ... نشان می‌دهد آمریکا خود را برای مقابله با چین بازسازی و تجهیز می‌کند.

ایران در جنگ با آمریکا، نمی‌تواند از چین بیشتر از حمایت‌های دیپلماتیک محتاطانه انتظار بیشتری داشته باشد. در تحلیل سیاست خارجی چین حفظ روابط اقتصادی و دیپلماتیک با کشورهای همسایه جنوبی خلیج فارس را نباید از نظر دور داشت.

در ابتدای شروع جنگ، چین نماینده ویژه‌ای را به منطقه فرستاد اما در ادامه تحرک و ابتکار دیپلماتیک جدی از پکن مشاهده نشد. در حالی که به دلایل متعدد توقع تحرک و ابتکار عمل‌های جدی از چین وجود داشته و دارد.

به نظر می‌رسد ایران و چین به‌رغم همه ادعاها، در تنظیم سطح روابط خود تردیدهای جدی دارند. مصداق کامل آن را می‌توان در اجلاس شانگهای و عدم دیدار اختصاصی پزشکیان با رئیس‌جمهور چین دید. مگر می‌شود دو کشور که مدعی داشتن روابط عمیق راهبردی هستند در سخت‌ترین مقطعی که یکی از آنها درگیر جنگی نظامی، اقتصادی با قدرت اول جهان است در یک اجلاس مشترک دیداری اختصاصی بین روسای جمهورشان صورت نگیرد؟ آیا عدم انجام این دیدار، چراغ سبز ایران به آمریکا است یا چراغ سبز پکن به واشنگتن؟ و بسیاری پرسش‌های دیگر.

پذیرش نقش دوگانه ایران و آمریکا در تنگه هرمز می‌تواند راه برون‌رفت از این جنگ برای دو طرف باشد. مذاکرات ناموفق با عمان این را نشان داد که بدون موافقت آمریکا - مسقط قادر به توافق عملی در خصوص تنگه هرمز - نیست. بدون تردید نقش ایران در مدیریت هرمز با گذشته بسیار متفاوت است

وضعیت روسیه و نگرانی‌های آن کشور قدری متفاوت از چین است. روسیه خود درگیر جنگی فرسایشی شده و تحریم‌های اقتصادی و خسارت‌های جنگ هر روز فشار بر مسکو را افزایش می‌دهد. اما جنگ آمریکا با ایران سبب منفعت‌هایی هم برای مسکو بوده و هست.

در عرصه نظامی کاهش سطح حمایت آمریکا از اوکراین و کاهش ارسال سلاح‌های پیشرفته به آن کشور و تاثیرش در صحنه جنگ برای روسیه بسیار اهمیت دارد. در حوزه اقتصادی، مسکو نفت خود را می‌فروشد و برای کمک به بازار جهانی نفت، آمریکا هم برخی تحریم‌ها علیه روسیه را تعلیق کرده است. اما اروپا و آمریکا، همچنان روسیه را یک خطر وجودی می‌دانند، پس نباید از نظر دور داشت که واشنگتن رقابت تسلیحاتی جدیدی را با مسکو آغاز کرده است. تجربه تلخی که شوروی را از درون فروپاشید.

بنابراین، در جان کلام باید عرض کنم که نگاه چین و روسیه به دوران پس از جنگ آمریکا با ایران و سطح روابط این دو کشور با آمریکا و نظام جهانی مدنظر آنان بسیار تعیین‌کننده محسوب می‌شود. و این ایران است که باید جایگاه خود را در روابط با شرق و حتی غرب با مدلی از سطح تحلیل خرد و کلان ارزیابی کرده و براساس آنها تصمیم‌گیری کند.

حسن رنجبر عزیز، ممنون از شما.

روی موج کوتاه

اژه‌ای:

اراده قطعی جمهوری اسلامی، گسترش روابط با چین است

رئیس قوه قضائیه بر اراده قطعی جمهوری اسلامی ایران برای گسترش روابط با چین، تأکید کرد. به گزارش ایلنا، غلامحسین محسنی اژه‌ای که برای شرکت در نشست بریکس، به هند سفر کرده است، در دیدار با رئیس دیوان عالی جمهوری خلق چین، با اشاره به روابط مستحکم ایران و چین، بر اهمیت ایجاد پیوند میان همکاری‌های حقوقی - قضایی و گسترش روابط راهبردی میان دو کشور تأکید کرد. رئیس دیوان عالی جمهوری خلق چین نیز در این دیدار، خطاب به اژه‌ای گفت: دو کشور چین و ایران علی‌رغم همه فراز و نشیب‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، همواره از روابط سالم و پایدار برخوردار بوده‌اند، همیشه به یکدیگر کمک کرده و با همدیگر همکاری داشته‌اند و ما نیز امیدواریم بتوانیم این همکاری‌های راهبردی بین دو کشور را تقویت کنیم. «ژانگ جون» با بیان اینکه مجموعه قضایی چین نسبت به تعمیق روابط و همکاری‌ها با دستگاه قضایی ایران علاقمند است، ابراز امیدواری کرد روابط و مناسبات دو کشور چین و ایران در همه حوزه‌ها توسعه پیدا کند.

هشدار عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی:

اهمیت تنگه زودتر از انتظار درحال کم‌شدن است

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی با اشاره به سه دلیل درباره رنگ باختن اهمیت تنگه هرمز هشدار داد. به گزارش رویداد ۲۴، ابراهیم سوزنچی، در شبکه ایکس خطاب به پزشکیان، قالیباف و محسن رضایی نوشت: «از نظر بنده گزارش @TankerTrackers گمراه کننده است: ۱- میزان عبور در روزهای اخیر بیشتر است ۲- دو میلیون بشکه هم‌زمینی دور زده می‌شود ۳- میعانات هم عبور می‌کند. اهمیت تنگه زودتر از انتظار در حال کم شدن است. نیاز به تصمیم سریعتر داریم.»

زاکانی:

تجمعات شبانه تا زمان تشخیص رهبری پابرجاست

شهردار تهران در یکی از مراکز تجمع شبانه در پایتخت، گفت: پیام این تجمعات برای دشمنان کاملاً واضح و مشخص است. ادامه آن هم تا وقتی است که رهبری معظم انقلاب تشخیص دهند نه اینکه به تشخیص برخی‌ها که بخواهند پرونده تجمعات را ببندند. به گزارش ایلنا، علیرضا زاکانی ادامه داد: هرچه می‌کوشیم در مسیر وحدت، انسجام، دست به دست دادن برای حل مشکل مردم و کمک به مسئولین برای پیشرفت و آبادانی کشور است.

تهدید جدید ونس:

عملیات خرابکارانه در ایران روی میز است

معاون رئیس جمهور آمریکا بامداد جمعه ادعا کرد که آمریکا به عنوان بخشی از تلاش‌های خود برای اعمال فشار بر تهران، ممکن است عملیات‌های مخفیانه‌ی خرابکارانه‌ای را در ایران انجام دهد. به گزارش فارس، جی دی ونس در گفت‌وگو با خبرنگاران در کاخ سفید در پاسخ به این سوال که آیا واشنگتن عملیات مخفیانه را به عنوان ابزاری برای فشار بر ایران در نظر دارد، گفت: «هر اتفاقی که احتمال رخ دادن داشته باشد، روی میز است». وی همچنین درباره گزینه‌های روی میز در مورد ایران نیز افزود: «فشار اقتصادی، فشار نظامی، فشار دیپلماتیک و فشار مخفیانه». این مقام آمریکایی در ادامه ادعاهایش گفت: «من قصد ندارم نحوه دقیق تعامل با ایرانی‌ها در ماه‌ها و سال‌های آینده را تبلیغ کنم، زیرا صادقانه بگویم، این کار فضای تصمیم‌گیری رئیس جمهور را از بین می‌برد».

دستور پنتاگون برای تغییر نام جنگ علیه ایران

نیروی هوایی آمریکا در یک ایمیل دستور داد که از یک نام جدید برای جنگ علیه ایران استفاده شود. به گزارش فارس؛ ایمیلی از نیروی هوایی آمریکا که ۷ اوت ارسال شده و شبکه خبری سی‌بی‌اس به آن دست یافته است، نشان می‌دهد پنتاگون به نیروهای خود دستور داده برای اشاره به عملیات نظامی جاری آمریکا علیه ایران به جای «عملیات خشم حماسی» از عبارت «عملیات برون‌مرزی در منطقه مسئولیت فرماندهی مرکزی آمریکا» استفاده کنند.

سخنگوی ارتش:

تا آخر بر اعمال حاکمیت ایران بر تنگه هرمز ایستاده‌ایم

سخنگوی ارتش درباره آینده وضعیت تنگه هرمز گفت: هدف ما روشن است؛ هدف ما دفاع از امنیت منطقه و اعمال حاکمیت بر تنگه هرمز است. ما در این زمینه محکم ایستاده‌ایم و تا آخر نیز خواهیم ایستاد. آمریکایی‌ها نمی‌توانند با زورگویی، تجاوز و شرارت این حاکمیت را تضعیف یا از بین ببرند. به گزارش ایسنا، محمد اکرمی نیا در یک برنامه تلویزیونی، تأکید کرد: با زورگویی و تجاوز، هرگز این حاکمیت تضعیف نخواهد شد. تجربه نیز نشان داده است که در تجاوز شانزدهم تیرماه و همچنین در تجاوز اخیر، ما محکم ایستادیم و در آینده نیز در این زمینه ایستادگی خواهیم کرد.

کره جنوبی گزینه اقدام نظامی در هرمز را بررسی می‌کند

شماری از رسانه‌های کره جنوبی، به نقل از مقام‌های وزارت دفاع ملی این کشور، گزارش داده‌اند که دولت کره جنوبی به ایالات متحده اعلام کرده است که قصد دارد برای کمک به آمریکا، نیروهای دریایی خود را به تنگه هرمز اعزام کند. به گزارش انتخاب از رویترز، در ادامه این مطلب آمده است: نیروی دریایی جمهوری کره در عملیات رزمی شرکت نخواهد کرد، اما در مأموریت‌های شناسایی و تجسسی مشارکت خواهد داشت. این عملیات هنوز در مراحل اولیه قرار دارد و هنوز به تصویب مجلس ملی کره جنوبی نرسیده است.

نقش روبیو در معافیت برخی تحریم‌های صداوسیما توسط آمریکا

وزارت خارجه آمریکا در سال جاری، در دو مقطع تحریم‌های اجباری علیه سازمان صداوسیما را معاف کرده است. این اقدام لغو تحریم‌های صداوسیما نیست؛ بلکه معافیت از اعمال برخی تحریم‌های اجباری محسوب می‌شود. به گزارش فرارو به نقل از واشنگتن فری بیکن، این معافیت‌ها به صداوسیما اجازه داده به خدمات ماهواره‌ای و زیرساخت‌های فنی مورد نیاز برای پخش بین‌المللی دسترسی داشته باشد. این اقدام با امضای مارکو روبیو انجام شده و طبق اسناد غیرعلنی که به کنگره ارسال شده، صورت گرفته است.